



حقیقتی که وجدان مشخص می کند / چرا خدا ما را خلق کرد؟

آیت الله محمدتقی مدرسی گفت: خداوند ما را برای ابتلا خلق کرده است که در آیه دوم سوره انسان به این موضوع اشاره شده است.

آیت الله محمدتقی مدرسی گفت: خداوند ما را برای ابتلا خلق کرده است که در آیه دوم سوره انسان به این موضوع اشاره شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، دومین جلسه تفسیر و تدبر در قرآن آیت الله «سید محمد تقی مدرسی»، دوم ماه مبارک رمضان در دفتر تهران وی، با محوریت تفسیر آیه دوم سوره انسان برگزار شد.

آیت الله مدرسی در این جلسه به تفسیر و تدبر در آیه دوم سوره انسان که خداوند می فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ تُطَاقٍ أَمْشَاجٍ تَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» پرداخت. در ادامه گزیده سخنرانی وی در این جلسه می آید.

وجدان انسان حامی بر تمام حقایق است، ولی این حقایق گاهی مجمل و مبهم و گاهی کلی است. علم، معرفت و ایمان این کلیات را، این مجملات را، این مبهمات را مفصل می کند و آن را توضیح می دهد. ما به این وجدان رسیدیم و یا می توانیم برسیم که ما بشر چیزی نبوده ایم و اگر هم چیزی بوده ایم، چیزی که قابل ذکر باشد نبودیم. همانطور که در آیه اول سوره انسان بیان شد که خداوند می فرماید: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا / آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود».

بشر قبل از عالم دنیا شی بدون ذکر بوده

بشری قبل از عالم دنیا چیزی در علم خدا بود، همین طور مدتی در صلب حضرت آدم (ع) بود، بعد در عوالم ذر، اطله، اشباح و ارواح بود؛ هر جا بود ولی بود اما از این بودنش کسی ذکری از او نداشت، به تعبیر ما چیز ناچیزی بود.

حقیقتی که وجدان مشخص می کند!

همه بشر دارای وجدان است و این وجدان یک حقیقت را برای ما مشخص می کند و آن این که کسی بوده که ما را آفریده است. بعد همه نعمت ها نیز از خالق است و این نعمتها را انسان نه می تواند شکر کند و نه می تواند بشمارد، حتی نمی تواند انسان آنها را درک کند.

گاهی برای شخص بنده و دیگران یک اشکالی در بدن پیدا می شود و نزد پزشکی می رویم و بعد از آزمایشات مختلف پزشک می گوید فلان رگ بدن شما اشکال پیدا کرده است. بنابراین نه ما بلکه اگر تنها تمام بشر هم جمع شوند نمی توانند نعمت های خدا را درک کنند، و به جوهرش برسند.

چرا خدا ما را خلق کرد؟

حالا چرا خداوند ما را خلق کرده است؟ چون او ما را برای ابتلا خلق کرده است که در آیه دوم سوره انسان به این موضوع اشاره شده است که خداوند می فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ تُطَاقٍ أَمْشَاجٍ تَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا / ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می آزمایشیم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم».

چند کلمه در این آیه است؛ یک کلمه اش «خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ» است. عرض شد که مراد از انسان در قرآن منظور حقیقت انسان است. پس هر انسانی این چنین «مِنْ تُطَاقٍ أَمْشَاجٍ» خلق شده است.

نطفه در زبان عربی یعنی یک مقدار، بعضی هم گفتند آب زلالی که آلوده نباشد. پیش ما هم چنین مشهود است و در علم امروز نیز به این رسیدن که عمیق تر از یک نطفه است.

منظور از «أَمْشَاجٍ» در این آیه

حالا چرا فرموده «أَمْشَاجٍ»؛ «أَمْشَاجٍ» به معنی مخلوط است. ما در زبان عرب برای هر مسئله یک واژه داریم و عربی خیلی زبان دقیقی است.

اگر گفتیم شی مخلوط است، یعنی مثل نخود و کشمش با هم مخلوط است، اما این مخلوطی را می شود یک روزی آن را جدا کرد. ولی اگر گفتیم «أَمْشَاجٍ» یعنی این مخلوط مانند شیری است که با شکر مخلوط شده و جدا کردن آن ممکن نیست.

دقت بفرمایید؛ در این مخلوط، هر جز بسیار کوچک شیر با یک مقدار از شکر مخلوط شده است؛ بنابراین «أَمْشَاجٍ» به این مفهوم نیست که مثلاً نطفه مرد تا آخر از نطفه زن جدا هست و یا می شود آن را جدا کرد، بلکه مخلوطی جدا نشدنی است.

دو دلیل آیت الله مدرسی درباره کلمه «أَمْشَاجٍ»

در روایات ما آمده که کلمه «أَمْشَاجٍ» یعنی «مَاءُ الرَّجُلِ أَبْيَضُ، وَمَاءُ الْمَرْأَةِ»؛ یعنی نطفه زن و مرد با هم مخلوط شده است و این مطلب دقیق هم هست و شکی در آن نیست. ولی به دو دلیل بنده یک مقدار در کلمه «أَمْشَاجٍ» می خواهم بگویم بیش از این دو آب است.

اولاً روایات و آیات زیادی در این باره داریم و در روایات هم آمده بشر از دو چیز خلق شده است. که یکی از آنها گِل است که خاک و گل سرشت و طینت انسان است و دوماً انسان از روحی که خداوند سبحان در او دمید، آفریده شده است. که خداوند نیز در این باره در آیه ۷۲ سوره قصص می فرماید: «قَدْ آتَيْنَاكَ فِيهِ مِنْ رُوحٍ فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ / پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده در افتید».

علت دو تمایل بودن انسان ها

پس معلوم است این بشر دو تمایل دارد. یک تمایل زمینی که به گل و سرشت است و دیگری به تمایل الهی که از روح خدا است. روح الهی این نیست که از جسم و بدن خدا باشد بل که از ذات خداست و ذات خدا صمد است که از روحی که خلق کرده است می باشد که در آیه ۸۵ سوره اسراء در این باره خداوند متعال می فرماید: «وَيَسْأَلُوكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا / و از تو درباره روح می پرسند، بگو: روح از امر پروردگار من است، و از دانش و علم جز اندکی به شما نداده اند».

حالا این حرف هایی که بعضی به سبب جهل و نادانی، تکبر و غرور در این باره می گویند که بشر جزیی از خدا است، درباره آن هیچ دلیل عقلی و نقلی نداریم و می بینیم در این آیه خداوند درباره روح پاسخ داده است.

حالا تصور کنید روح الهی که خدا خلق کرده و یک موجود و مخلوق است و هیچ شباهتی به این مخلوقات ندارد، چطور «أَمْشَاجٍ» شده است و از آن طرف هم یک مقدار گِل و از خاک هم هست.

منظور از کلمه «تَبْتَلِيهِ» در این آیه و ارتباط آن با کلمه «أَمْشَاجٍ»

اصلاً چرا خدا این کار را کرده است؟ بر می گردیم به آیه دوم سوره انسان که خداوند فرمود: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ تُطَاقٍ أَمْشَاجٍ تَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». در این آیه ابتدا خداوند فرموده «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ تُطَاقٍ أَمْشَاجٍ»؛ بعد می فرماید: «تَبْتَلِيهِ».

این کلمه «تَبْتَلِيهِ» که خداوند فرموده است بی ارتباط با کلمه «أَمْشَاجٍ» نیست. اصلاً قرآن هر کلمه، کلمه دیگر را توضیح می دهد.

حالا به چه دلیل و هدفی «أَمْشَاجٍ»، «تَبْتَلِيهِ» شده است؟ برای اینکه انسان را مبتلا کند. ارتباط این دو کلمه مشخص است، مراد از «أَمْشَاجٍ»، یک بُعد انسان یعنی بعد الهی است، و یک بعد او نیز زمینی است.

در روایت مفصلی در کتاب عدل بحار یک بحثی درباره هدف خلقت آمده حضرت آدم (ع) یک بحثی دارد که خدایا چرا

اینجور شد و آن جور شد؟ و خدا می گوید اینجا حرفت درست است ولی اینجا درست نیست و درست نبودن حرفت به خاطر این است که طینت تو خاکی است.